

وزارت فرهنگ و آموزش عالی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده تاریخ

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد تاریخ

عنوان

بررسی کتاب سیاستنامه و نفی انتساب قسمتهایی از
این کتاب به خواجه نظام الملک طوسی

استاد راهنما :

دکتر ملیحه ستارزاده

اساتید مشاور:

دکتر وهاب ولی ، دکتر رسول خیراندیش

نگارش :

علی رضائیان

آبان ۱۳۷۵

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه

معرفی و بررسی گزیده منابع و مأخذ

فصل اول : عوامل مؤثر در نگارش سیاستنامه

- ۱- تداوم دیوان سالاری ۱۲
- ۲- اندرزنامه های قدیمی ۱۶
- ۳- مقتضیات زمان ۲۵

فصل دوم : نگارش بخشی از سیاستنامه توسط فردی غیر از خواجه نظام الملک

- ۱- وجود دو بخش متمایز در سیاستنامه ۳۱
- ۲- تفاوت های موجود بین دو بخش سیاستنامه ۳۵
- ۳- توصیه ها و حکایات متناقض در سیاستنامه ۳۹
- ۴- همخوانی بخش دوم سیاستنامه با اوضاع دولت سلجوقی
بعد از مرگ نظام الملک ۴۵
- ۵- بخش دوم سیاستنامه و جهت گیری به نفع فرزندان
نظام الملک ۶۳

فصل سوم : وضعیت شیعیان در دوران وزارت خواجه نظام الملک و عدم همخوانی آن با جهت گیری ضد شیعه بخش دوم سیاستنامه

- ۱- درگیری های مذهبی عهد سلجوقی و موضع شیعیان در این
درگیری ها ۶۵
- ۲- سیاست مذهبی خواجه نظام الملک ۶۷
- ۳- جهت گیری ضد شیعی بخش دوم سیاستنامه ۷۰
- ۴- شیعیان در دوران بعد از نظام الملک ۷۳

**فصل چهارم: شدت گیری فعالیت‌های اسماعیلیان بعد از مرگ ملک‌شاه و خواجه نظام الملک
و جهت گیری ضد اسماعیلی بخش دوم سیاستنامه**

- ۱- تاریخچه بد مذهبی مندرج در بخش دوم سیاستنامه ۸۰
- ۲- اشاره ای به چگونگی شکل گیری نزاریان ۸۵
- ۳- قتل مخالفان توسط نزاریان و جهت گیری این قتلها ۸۷
- ۴- رواج اتهام باطنیگری ۹۲
- ۵- عکس العمل جامعه اهل سنت در برابر شدت گیری فعالیت‌های
نزاریان ۹۳

نتیجه ۹۷

ضمائم:

- ۱- بحث پیرامون واقعه عزل نظام الملک در اواخر عمر ۱۰۰
- ۲- سالشمار وقایع تاریخی عهد سلجوقی تا پایان سلطنت سلطان محمد
(۵۱۱ هـ.ق) ۱۰۹
- نمودار فرزندان و نوادگان نظام الملک ۱۱۵
- کتابشناسی ۱۱۶

مقدمه

سلجوقیان طایفه ای از اقوام ترک نژاد غز بودند که در حدود اواخر قرن چهارم هجری در دشتهای شمال دریای خزر و دریاچه آرال سکونت گزیده و پس از تماس با حکومتهای مسلمان منطقه ماوراءالنهر به دین اسلام گرویدند و در همین دوران به سمت ماوراءالنهر کوچ کرده به خدمت حاکمان این منطقه در آمدند، ابتدا به سامانیان و پس از آن به قراخانیان پیوستند. پس از انقراض سامانیان و قدرت گیری غزنویان در خراسان درگیریهایی با آنان داشته و سرانجام نیز با هجوم به این ایالت موفق گردیدند آن را از دست غزنویان خارج سازند. طغرل رهبر سلاجقه در سال ۴۲۹ هـ ق در نیشابور خود را سلطان خوانده و اندک زمانی پس از آن (۴۳۰ هـ ق) با خلافت عباسی نیز ارتباط برقرار کرد. طغرل موفق شد در مدت کوتاهی تمامی دولتهای کوچک و بزرگی را که در

ایران و عراق قدرت داشتند از بین برده و یا مطیع خود سازد و بر کشوری که مرزهای آن با مرزهای ایران عهد ساسانی مطابقت داشت ، حکومت کند.

اوج قدرت سلاجقه در دوران سه پادشاه اولیه این سلسله یعنی طغرل (۴۵۵-۴۲۹ هـ.ق) ، آلب ارسلان (۴۶۵-۴۵۵ هـ.ق) و ملکشاه (۴۸۵-۴۶۵ هـ.ق) می باشد. در این دوران ، و بویژه در عهد ملکشاه ، سلاجقه به بالاترین حد قدرت نظامی و گسترش جغرافیایی خود دست یافتند. فردی که نقش عمده را در قدرت گیری سلاجقه در این عهد ایفاء نمود ، ابوعلی حسن بن اسحاق طوسی (۴۸۵-۴۱۰ هـ.ق) ملقب به نظام الملک بود. جد نظام الملک ، اسحاق ، از طبقه دهقانان بیهق بوده و پدرش ابوالحسن علی در خدمت سوری بن معتز حاکم غزنوی خراسان بود ، و از جانب وی وظیفه اداره امور مالی ناحیه طوس را برعهده داشت. نظام الملک در دوران خدمت پدر در طوس به دنیا آمد (۴۱۰ هـ.ق). با حمله سلاجقه به خراسان و فتح این منطقه ، نظام الملک که دوران جوانی را طی می کرد ، به خدمت سلاجقه پیوست. پس از مدتی چغری بیگ ، برادر طغرل و حاکم خراسان ، نظام الملک را به سرپرستی آلب ارسلان فرزند خود تعیین نمود. با مرگ طغرل (۴۵۵ هـ.ق) آلب ارسلان به جانشینی وی انتخاب گردید. آلب ارسلان در ابتدا وزیر عم خویش ، عمید الملک کندی ، را به وزارت انتخاب کرد. اما پس از به قتل رساندن او ، نظام الملک را به وزارت انتخاب نمود.

از این زمان و به مدت سی سال (۴۸۵ - ۴۵۶ هـ ق) نظام الملک مقام وزارت را در دولت سلجوقی عهده دار بود.

دوران حکومت سلجوقیان در ایران از جنبه های مختلف دارای اهمیت می باشد. اما از یک نظر این دوره تأثیری بلند مدت در تاریخ ایران بر جای گذاشته است. در عهد سلجوقیان بسیاری از نهادهای مستقر در ایران شکل قطعی و نهایی خود را پیدا نموده و با مختصر تغییراتی تا زمان انقلاب مشروطه در ایران به حیات خود ادامه دادند. دو گروهی که نقش عمده را در شکل دادن به این نهادها ایفا نمودند ، دیوانیان و علمای مذهبی بودند. از میان دیوانیان نقش نظام الملک در این زمینه بسیار برجسته است. وی به دلیل سالها حضور در بالاترین رده دیوانسالاری سلجوقی تأثیر مهمی در تغییر و تحول نهادها و شکل گیری نهایی آنها در این دوره داشت. به علاوه نظام الملک با نوشتن کتاب **سیاستنامه** به معرفی و تبیین این نهادها پرداخت.

سیاستنامه از دو بخش اصلی ، شامل سی و نه فصل (بخش اول) و یازده فصل (بخش دوم) ، تشکیل گردیده است. میان این دو بخش تفاوت‌های فراوانی از جنبه های مختلف وجود دارد. عقیده رایج بر این است که هر دو بخش **سیاستنامه** نوشته نظام الملک بوده و علت وجود اختلافات بین این دو بخش این است که نظام الملک بخش اول را در دوران وزارت و در اوج قدرت نگاشته است ، حال

آنکه بخش دوم را در ماههای پایانی عمر و زمانی که توسط سلطان ملکشاه سلجوقی از وزارت عزل گردیده ، به رشته تحریر در آورده است.

هدف از پژوهش حاضر ، ارائه این فرضیه است که بخش دوم **سیاستنامه** نوشته نظام الملک نبوده ، بلکه پس از مرگ نظام الملک نگاشته شده ، به وی منتسب گردیده است. برای اثبات این فرض ، از یکطرف سعی گردیده تا تناقضات و اختلاف آراء موجود بین دو بخش **سیاستنامه** نشان داده شود ، زیرا که وجود این اختلافات موید این عقیده است که این دو بخش نمی تواند نوشته یک نفر باشد؛ و از طرف دیگر ضمن بررسی تاریخ سلجوقیان در دو دوره قبل و بعد از مرگ نظام الملک تلاش شده است تا نشان داده شود که هر کدام از دو بخش **سیاستنامه** انعکاس دهند وضعیت عمومی دولت سلجوقی در یکی از این دو دوره مختلف باشد.

این فرضیه در صورت اثبات می تواند از جنبه های مختلف دارای اهمیت باشد. اول اینکه با قبول آن در شناخت تاریخی از شخصیت نظام الملک دگرگونی هایی ایجاد می گردد. زیرا که پژوهشگران ، تاکنون با قبول انتساب بخش دوم **سیاستنامه** به نظام الملک و با استناد به آن پیرامون اهداف ، اندیشه ها و عملکرد وی به قضاوت پرداخته اند. به علاوه این فرضیه کمک فراوانی به شناخت تاریخ سلجوقیان در دوران بعد از مرگ نظام الملک می نماید. زیرا همان گونه که بعداً خواهیم دید بخش دوم **سیاستنامه** در واکنش مستقیم به اوضاع

عمومی دولت سلجوقی در دوران حکومت محمد بن ملکشاه (۵۱۱ - ۴۹۸ هـ.ق) نگاشته شده و به همین دلیل نیز نشانگر وضعیت این عهد از حکومت سلاجقه می باشد.

محتوای پژوهش :

این رساله از چهار فصل و دو ضمیمه تشکیل گردیده است.

فصل اول :

در این فصل عوامل مختلفی که در نگارش بخش اول **سیاستنامه** موثر بوده ، بررسی گردیده ، تأثیراتی را که نظام الملک از منابع و مآخذ قبل از خود و شرایط عمومی آن عهد جهان اسلام گرفته ، تشریح شده است.

فصل دوم :

قسمتی از این فصل به توضیح اختلافات ، تناقضات ، و تضادهای موجود بین دو بخش **سیاستنامه** اختصاص داده شده و در ادامه سعی گردیده تا با بررسی تاریخ سلجوقی در دوران قبل و بعد از مرگ نظام الملک ، نشان داده شود که بخش دوم **سیاستنامه** به دلیل نوشته شدن در دوران پس از مرگ

نظام الملک و در عهد سلطنت سلطان محمد سلجوقی ، انعکاس دهندهٔ اوضاع دولت سلجوقی در این دوره می باشد.

فصل سوم :

این فصل به بحث پیرامون وضعیت شیعیان در دوران سلجوقی ، قبل و بعد از مرگ نظام الملک ، پرداخته و ضمن بررسی جهت گیری ضد شیعی بخش دوم **سیاستنامه** ، تلاش گردیده نشان داده شود که این مواضع تحت تأثیر جریانات سیاسی دوران پس از نظام الملک ، اتخاذ گردیده است.

فصل چهارم :

این فصل در ابتدا به بیان دشمنی شدید نویسندهٔ بخش دوم **سیاستنامه** با نزاریان پرداخته و در ادامه سعی شده تا توضیح داده شود علت این مخالفت ، شدت گیری فعالیتهای نزاریان در دوران بعد از نظام الملک ، و عکس العملی در مقابل این فعالیتهای بوده است.

معرفی و ارزیابی گزیده منابع و مآخذ

منابع اصلی مورد استفاده در این رساله را می توان به چند دسته تقسیم نمود :

۱- تاریخهای عمومی ، سلسله ای و محلی.

۲- زندگینامه ها.

۳- پند نامه و اندرزنامه ها.

معرفی همه آنچه در این دسته بندی مورد استفاده قرار گرفته است از حوصله رساله خارج و موجب طولانی شدن کلام می گردد. لذا به حسب ضرورت و در حد توان ، در هر دسته پاره ای از منابع مهم معرفی و ارزیابی می شود.

۱- تاریخهای عمومی ، سلسله ای و محلی

یکی از مهم ترین کتب تاریخ عمومی که اطلاعات بسیار ارزنده ای پیرامون عهد سلجوقی در اختیار محقق قرار می دهد ، کتاب **الکامل فی التاريخ** نوشته ابن اثیر (۶۳۰ - ۵۵۵ هـ ق) می باشد. ابن اثیر گرچه کمتر منابع و مآخذ مورد استفاده خود را ذکر می کند اما شکی نیست که وی در نگارش اثر خود از بسیاری کتب تاریخی نوشته شده در عهد سلجوقی ، که امروزه اثری از آنها در دست نیست ، بهره برده است. به همین دلیل نیز در رساله حاضرم مکرراً کتاب ابن اثیر مورد استفاده قرار گرفته است.

دیگر از کتب مهم تاریخ عمومی ، پیرامون عهد سلجوقی ، کتاب **المنتظم فی تاریخ الملوك و الامم** نوشته ابن جوزی (۵۹۷ - ۵۱۰ هـ ق) فقیه حنبلی مذهب می باشد. ابن جوزی مدعی است در کتاب خود تاریخ سرتاسر قلمرو اسلامی را به رشته تحریر در آورده ، اما تکیه اصلی کتاب وی بر ذکر وقایع تاریخی شهر بغداد می باشد. او این وقایع را تا سال ۵۷۳ هـ ق ذکر نموده و در طی آن اطلاعات بسیار ارزنده ای بویژه پیرامون اختلافات و درگیریهای مذهبی در قلمرو سلجوقی ارائه می دهد.

یکی از قدیمی ترین و مهم ترین کتب موجود پیرامون تاریخ سلجوقیان که می توان آن را در زمره تاریخهای سلسله ای محسوب کرد ، کتاب **نصره الفستره** می باشد. این کتاب در سال ۵۷۹ هـ ق توسط عماد الدین اصفهانی تدوین شده

است. هسته اصلی کتاب عماد الدین را خاطرات انوشیروان بن خالد ، یکی از دیوانیان بلند مرتبه عهد سلجوقی ، تشکیل می دهد. انوشیروان بن خالد کتابی به نام **فتور زمان صدور و صدور زمان فتور** به زبان فارسی ، نگاشته است. او به دلیل سالها حضور در مقامات دیوانی دولت سلجوقی و به دلیل اینکه شخصاً شاهد بسیاری از وقایع تاریخی عهد مورد بحث ما بوده ، در نوشته خود اطلاعات مفید و ارزشمندی پیرامون جریانات تاریخی این دوره و خصوصاً شرح زندگی دیوانیان و اختلافات موجود بین آنان ارائه نموده است. گرچه اصل کتاب انوشیروان بن خالد از بین رفته و به دست ما نرسیده است ، اما کتاب **نصره الفتره** ترجمه عربی نوشته انوشیروان بن خالد ، همراه با اضافاتی که عماد الدین اصفهانی بدان افزوده ، می باشد. به دلیل نثر مصنوع و پر تکلف عماد الدین اصفهانی ، در سال ۶۲۳ هـ ق بنداری اصفهانی کتاب وی را به سبکی ساده بازنویسی کرده است. بنداری در این بازنویسی کاملاً امانت را رعایت نموده ، محتوای کتاب را تغییر نداده است. در این رساله از ترجمه فارسی کتاب بنداری ، که در سالهای اخیر صورت گرفته ، استفاده شده است.

دیگر از تاریخهای سلسله ای عهد سلجوقی کتاب **سلجوقنامه** نوشته ظهیرالدین نیشابوری می باشد. این کتاب اندکی پس از شروع حکومت طغرل سوم (۵۷۱ هـ ق) آخرین پادشاه سلسله سلجوقی در ایران ، تدوین شده است.

سلجوقنامه گر چه اطلاعات دقیقی پیرامون دوره مورد بحث ما ارائه نمی دهد ، اما در شناخت برخی جنبه های تاریخی این عهد دارای اهمیت می باشد.

۲- زندگینامه ها

از مهمترین این دسته کتب ، مورد استفاده در رساله حاضر کتاب **طبقات الشافعیه الکبری** نوشته سبکی (۷۷۷ - ۷۲۷ هـ ق) می باشد. این کتاب شرح حال زندگی علما و محدثان شافعی مذهب بوده و براساس قرن در گذشت افراد طبقه بندی شده است. سبکی در ضمن شرح حال افراد اطلاعات بسیار سودمندی پیرامون اوضاع سیاسی ، مذهبی ، اجتماعی ، عهد سلجوقی ارائه می نماید. کتاب **وفیات الاعیان** نوشته ابن خکلان (۶۸۱ - ۶۰۸ هـ ق) نیز به دلیل اینکه نویسنده شرح حالهای خود را به شرح زندگی علما و سلاطین محدود نکرده ، پیرامون زندگی دیوانیان و لشکریان نیز به بحث پرداخته دارای اهمیت می باشد.

۳- کتب پند و اندرز

کتاب مورد بررسی ما در این رساله ، **سیاستنامه** ، در این دسته از کتب جای می گیرد ، لذا لازم است در ابتدا توضیحاتی پیرامون این کتاب ارائه گردد. **سیاستنامه** را اولین بار شارل شفر محقق فرانسوی در سال ۱۸۹۱ م. منتشر کرد. پس از آن بارها کتاب در ایران ، هندوستان و ترکیه به چاپ رسیده است. علاوه بر این کتاب **سیاستنامه** به زبانهای روسی ، آلمانی و انگلیسی نیز ترجمه شده

است. در این رساله چاپی از **سیاستنامه** که با نام **سیر الملوك** توسط هیوبرت دارک تصحیح و به چاپ رسیده ، مرجع قرار گرفته است. دارک قدیمترین نسخه خطی موجود از **سیاستنامه** را در اختیار داشته و با مقابله نسخ مختلف این کتاب یکی از بهترین چاپهای **سیاستنامه** را عرضه نموده است. البته باید اشاره کرد که در برخی از مواقع ، بنا به ضرورت ، از دو چاپ دیگر **سیاستنامه** که توسط مرتضی مدرسی ، و عباس اقبال صورت گرفته ، استفاده شده است.

برای نشان دادن اشتراکات **سیاستنامه** و پند نامه های قبل از اسلام از کتاب **تاج** نوشته جاحظ که بسیاری از اطلاعات آن مأخوذ از منابع عهد ساسانی است بهره گرفته شد. در این راه از رساله معروف به **نامه تنسر به گشنسب** که مطالب ارزنده ای پیرامون چگونگی گردش امور در دولت ساسانی در اختیار محقق قرار می دهد ، استفاده شد.

نام سایر منابع مورد استفاده که در این قسمت معرفی نگردیده در کتابنامه ذکر شده است.

فصل اول

عوامل مؤثر در نوشته شدن سیاستنامه

۱- تداوم دیوانسالاری

آن لمبتن در کتاب **تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران** ضمن بررسی عناصر مختلف تداوم و تحول دوران سلاجقه ، خوارزمشاهیان و ایلخانان ، معتقد است که در نتیجه تغییر و تحولات سیاسی این دوران گرچه خاندانهای حاکمه و امرای بلند مرتبه نظامی تغییر کردند ، اما برخی گروهها همچون دیوانیان ، ضمن هماهنگ کردن خود با تحولات موجود موفق شدند موقعیت خود را حفظ کرده و از عناصر تداوم محسوب گردند^۱ . البته تداوم طبقه دیوانسالار تنها محدود به دوره مورد بحث لمبتن نبوده و جریانی مستمر در تاریخ ایران به شمار می آید.

۱ - ترجمه یعقوب آژند ، چاپ اول ، تهران : نشر نی ، ۱۳۷۲ ، ص ۳۲۳.

پس از حملهٔ اعراب مسلمان به ایران و دستیابی به قلمرو وسیع ساسانیان وجود نهادهایی برای ادارهٔ کشور الزامی می نمود. روشن است که اعراب صحراگرد فاقد چنین نهادهایی بودند و ناگزیر به نهادهای مستقر در مناطق فتح شده متوسل شدند. به همین دلیل طبقهٔ دبیر عهد ساسانی که در ادارهٔ قلمرو این دولت نقش عمده ای را ایفا می کردند توسط فاتحان به کار گرفته شدند. زبان پهلوی نیز که زبان رسمی دولت ساسانی بود بعنوان زبان اداری و مالی در ایران مورد استفاده قرار گرفت. گرچه در سال ۷۸ هـ ق به دستور عبدالملک (۸۶ - ۶۵ هـ ق) خلیفه اموی فرمان تغییر زبان دیوانها از پهلوی به عربی صادر شد اما اجرای کامل این فرمان سالها بطول انجامید. در سال ۱۲۴ هـ ق فرمانی از یوسف بن عمر والی عراق به نصر بن سیار حاکم خراسان رسید که از او می خواست تنها مسلمانان را برای خدمات دیوانی استخدام کرده و دفاتر مالی را از پهلوی به عربی برگرداند.^۱ متن این فرمان بیانگر این نکته است که سالها بعد از فرمان عبدالملک مبنی بر تغییر زبان دیوان از پهلوی به عربی دیوانیان ایرانی همچنان، در دیوانها حضور داشته و زبان پهلوی مورد استفاده قرار می گرفته است. علاوه بر این، حتی تغییر زبان دیوانها نیز به معنی کنار گذاشتن دیوانیان ایرانی نبود، زیرا که در طی این دوران بسیاری از دیوانیان ایرانی ضمن

۱- ر. ن فعلی، (کرد آورنده)، تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ترجمهٔ حسن انوشه، چاپ اول، تهران؛ امیر کبیر ۱۳۶۲، ص ۴۹۴.

قبول اسلام با زبان عربی آشنا شده و به خدمت حاکمان وقت درآمدند. حضور خاندانهای دیوانی قدرتمند چون برامکه و بنی سهل و دبیرانی چون ابن مقفع (متوفی به سال ۱۳۹هـ) در خدمت خلفا بیانگر تداوم حضور طبقه دیوانسالاران ایرانی در عهد حاکمیت اسلام می باشد^۱.

از زمان شکل گیری اولین حکومت‌های نیمه مستقل در ایران تا هجوم ترکان سلجوقی تقریباً تمامی حکومت‌های محلی سعی داشتند خود را به پادشاهان ایران قبل از اسلام، بویژه سامانیان، پیوند داده و در جهت اثبات این ادعا به جعل نسب نامه هایی نیز دست زدند. لیکن هیچ کدام نتوانستند قلمرو سابق ساسانی را احیاء کنند و هر کدام تنها در قسمتهایی از آن حکومت می کردند. علویان (۳۱۶-۲۵۰ هـ ق) در طبرستان، آل زیار (۴۳۴-۳۱۶ هـ ق) در گرگان، آل بویه (۴۴۷-۳۲۰ هـ ق) در جنوب ایران و عراق طاهریان (۲۵۹-۲۰۵ هـ ق) صفاریان (۲۹۰-۲۵۴ هـ ق) سامانیان (۳۸۹-۲۶۱ هـ ق) و غزنویان (۴۳۱-۳۵۱ هـ ق) در شرق ایران حکومت می کردند.

در قرن پنجم هجری قمری ترکان سلجوقی در رأس گروههای صحراگرد غز وارد ایران شده و موفق شدند به عمر سلسله های محلی مستقر در ایران پایان داده یا آنها را مطیع خود سازند، و پس از مدت زمان کوتاهی توانستند قلمرو پهناوری را که با ولایات دولت ساسانی انطباق داشت تحت سلطه خود

۱ - همان اثر، صص ۴۹۶ - ۴۹۵.

درآوردند و بعد از گذشت بیش از چهارصد سال از حمله اعراب مسلمان ، وحدت جغرافیایی ایران ساسانی را اعاده کنند. همانند زمان حمله اعراب به ایران این بار نیز دیوانیان ایرانی بدون هیچ مشکلی به خدمت مهاجمان جدید درآمده و وظیفه آشنا کردن آنها با اصول مملکتداری و همچنین اداره قلمرو پهناوری را که توسط ایشان فتح شده بود ، به عهده گرفتند.

پس از شکل گیری حکومت سلجوقیان ، رهبران قبایل صحراگرد ترکمن تبدیل به حاکمان کشوری متمدن با نهادهای قدیمی و ریشه دار شدند. این عهد گرچه سلاطین قدرتمندی چون طغرل ، آلب ارسلان ، و ملکشاه به قدرت رسیده از خلفای عباسی نیز تأییدیه گرفتند . اما همواره در میان قبایل ترکمن هم نژاد با حاکمان سلجوقی ، میل به تجزیه طلبی و عدم اطاعت از حکومت مرکزی وجود داشت. بنابه رسم قبایل صحراگرد ترک مناطق فتح شده متعلق به تمامی اعضای خانواده خان بوده و آنان به هیچ وجه خود را ملزم به اطاعت بی چون و چرا از خان قبیله نمی دیدند^۱.

در مقابل این رسم قبیله ای ، اندیشه قدیمی "سلطنت مطلقه" ، که دیوانسالاران ایرانی مروج آن بودند ، قرار داشت. براساس این اندیشه ، سلطان در رأس هرم قدرت قرار داشته و سایر افراد اعم از خویشاوندان سلطان و یا

۱- ن. و. پیگلوسکایا و دیگران ، تاریخ ایران از دوران باستانی تا پایان سده هجدهم میلادی ، ترجمه کریم کشاورز ، تهران : انتشارات پیام ، ۱۳۵۴ ، ص ۲۲۸.

صورت نطقها و دستورات سلاطین ساسانی بود، اشاره کرد.^۱ در دوران اسلامی زمانی که بسیاری از سنتها، آداب و رسوم ایرانی در قلمرو خلافت اسلامی احیا گردید این سبک از ادبیات عهد ساسانی نیز مورد توجه واقع شده بسیاری از کتب نوشته شده در این زمینه از زبان پهلوی به عربی ترجمه گردید. بویژه در اوایل عصر عباسی و با اوج گیری "نهضت ترجمه"، ترجمه کتب از زبانهای مختلف، از جمله زبان پهلوی، به زبان عربی گسترش فوق العاده یافت. از معروفترین مترجمان این عهد ابن مقفع می باشد که با ترجمه کتابهایی چون **آئین نامک و تاج نامک** به زبان عربی نقش بارزی در انتقال این شیوه ادبی عهد ساسانی به دوران اسلامی ایفا کرد. همزمان نویسندگان مسلمان نیز به این سبک ادبی علاقه نشان دادند. کتابهایی را در این زمینه به رشته تحریر درآوردند. بررسی و مقایسه ای که مابین کتابهای نوشته شده توسط نویسندگان مسلمان و متون باقیمانده از عهد ساسانی صورت گرفته نشانگر تأثیر فراوان سنت پند نامه نویسی ایران قبل از اسلام بر روی این گونه کتب نوشته شده در عهد اسلامی می باشد.^۲

سیاستنامه در قالب ادبیات اخلاقی - آموزشی رایج در دوران اسلامی به

۱- همان اثر، صص ۱۰۶-۱۰۱.

۲- اینوسترانسلف، مطالعاتی در باره ساسانیان، ترجمه کاظم کاظم زاده، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸ ش، صص ۲۵-۱۴.

بزرگان لشکری و کشوری فرمانبردار وی بودند. به اعتقاد دیوانسالاران ایرانی برای اداره قلمرو پهناور دولت سلجوقی احیای اندیشه سلطنت مطلقه الزامی بود^۱.

کتاب **سیاستنامه** که توسط نظام الملک نوشته شده تلاش یک دیوانسالار بلند مرتبه عهد سلجوقی برای آشنا کردن حاکمان این سلسله با اصول و قواعد کشورداری براساس مفهوم سلطنت مطلقه می باشد.

۲- اندرزنامه های قدیمی

ظرفی را که نظام الملک برای ارائه اندیشه های خود در نظر گرفت ریشه در تاریخ ایران قبل از اسلام دارد. در عهد ساسانی کتب فراوانی در زمینه اخلاق نظری و عملی به شیوه پند و اندرز و توصیه به رشته تحریر درآمد. گونه ای از این کتب به ارائه توصیه هایی پیرامون شیوه های فرمانروایی، اداره کشور و سازمانهای دولتی می پرداخت^۲. از نمونه های این گونه می توان به کتابی همچون **آئین نامک**، که به بحث پیرامون خصوصیات و تشکیلات دولت و جامعه ایرانی پرداخته، اصول و فنون کشورداری را شرح می داد و **تاج نامک** که حاوی

۱- مجتبی مینوی، نقد حال، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۵۸، صص ۲۲۲، ۲۲۱.

۲- آرتور، کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ هشتم، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۲ ش، ص ۹۵.